

Criminal Policy Making Indicators Regarding Environmental Crimes through Reflection on Mazandaran Province Ecosystem

Mohammad Hossein Zahedian Tejenaki¹, Hooshang Shambayati^{2*}, Ali Najafi Tavana²

1. PhD student in Criminal Law and Criminology Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran..

2. Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.



Article Type:

Original Research

Pages: 167-200

Received: 2021 July 03

Revised: 2021 November 21

Accepted: 2021 December 19



Abstract

Alongside with human progress after industrial revolution aiming at welfare of modern human, uncontrollable and irrecoverable destruction of the environment is observed. This increasing deterioration is more manifested in Mazandaran Province due to special geographical condition of it. Undoubtedly, outstanding manifestation of human threat to the environment can be observed in form of environmental crimes. Accordingly, through environmental support made by legal systems in the countries within framework of adopting an integrated criminal policy with appropriate administrative mandate combined with execution of ecotourism regulation, Can be considered as one of the measures less paved for environmental destruction. Based on such platform, explaining indicators of desirable and appropriate criminal policy as well as guiding principles of sentencing can be of direct effect on judicial decision making and change of attitude of judicial authorities towards crimes in this field through data obtained from field studies. In this respect, in present quantitative applied research from methodological perspective which is a descriptive survey as far as its objective is concerned and after studying views provided in terms of criminology; a sample size of of 385 persons over 18 years old have been studied in the province, to the aim of explaining the model for criminal policy making indicators regarding environmental crimes in Mazandaran Province. The results of the analysis of statistical data indicate that the criminological views presented in this article Including the theory of social control, the theory of deterrence of punishments, Approach to white-collar criminals, the theory of neutralization techniques as well as the restorative justice approach, it has the potential to serve as a model for criminal policy in the form of a combination of criminal approaches as well as protective and preventive approaches To be considered in the field of environment.

Keywords: Criminal policy making, Environmental crimes, Green criminology, Punishment, Mazandaran Province

*Corresponding Author: H.Shambayatilaw@gmail.com

شاخص‌های سیاست گذاری کیفی جرائم زیست محیطی با تأملی در زیست بوم استان مازندران

محمدحسین زاهدیان تجنکی^۱، هوشنگ شامبیاتی^{۲*}، علی نجفی توانا^۲

۱. دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲. استادیار، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.



چکیده

این پژوهش در راستای بررسی مسئولیت مدنی اشخاص حقیقی و حقوقی در قبال آلودگی‌ها و خسارت‌های محیط زیستی در حقوق ایران و در جهت هم‌سنجشی با کنوانسیون لوگانو گام برداشته و نگاهش متمرکز بر جایگاه دادخواه خصوصی در دعوی محیط زیستی است و هدف خود را حمایت از زیان دیدگان در برابر آثار خطرناک ناشی از آلودگی و خسارت زیست محیطی و الزام به جبران خسارت در پرتو مسئولیت مدنی محیط زیستی می‌پندارد. این پژوهش به این پرسش پاسخ می‌دهد که افراد خصوصی مطابق چارچوب‌های قانونی آیا می‌توانند مطالبه‌گری و دادخواهی محیط زیستی داشته باشند؟ این موضوع از یک سو در حقوق داخلی مطمح نظر واقع گردیده و از سوی دیگر کنوانسیون لوگانو نیز با توجه به ساختار نظام مند خود بعنوان اصول راهنمای جبران خسارت از طریق طرح دعوی ذینفع خصوصی در فصل چهارم خود "اقدام برای جبران خسارت و سایر دعاوی" را مد نظر قرار داده و روند تسهیل‌گرانه اقدام ذینفع خصوصی در خصوص خسارت محیط زیستی را مهیا می‌سازد. نگاه ویژه به حق شکایت محیط زیستی توسط دادخواه خصوصی و نگاه حقوق بشری به آن، بسط و توسعه در نیل بسوی تحقق اصل دادخواهی محیط زیستی و همچنین رویکرد صلاحیت مرجع قضایی و تامین خسارت محیط زیستی از جمله یافته‌های این پژوهش است.

نوع مقاله: علمی پژوهشی

صفحات: ۱۶۷-۲۰۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۱۲

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۰/۰۸/۳۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۲۸



واژگان کلیدی: مسئولیت مدنی، کنوانسیون لوگانو، خسارت محیط زیستی، دادخواهی، شخص

حقیقی

تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده است.



درآمد

حمایت از محیط زیست از ضروریات بقای حیات محسوب می شود. قرارگرفتن محیط زیست به عنوان یک حق بشری در صدرمهمترین حقوق نسل سوم بشر اهمیت این موضوع را بیشتر آشکار می نماید. علاوه بر این امروزه حق بر محیط زیست سالم در قالب قانون اساسی و قوانین عادی در اغلب کشورها شناسایی شده و اصل ۵۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز حفاظت از محیط زیست را یک "وظیفه عمومی" تلقی نموده است. با این وجود جرایم زیست محیطی علی رغم در نظرگرفتن طیف گسترده‌ای از مجازات‌ها برای این نوع جرایم، در کشور ایران منجر به تهدید جدی اقتصادی و امنیتی و از بین رفتن منابع طبیعی و اکوتوریسم شده است، دلیل این مدعی را می توان کاهش سطح جنگل های کشور طی سه دهه از ۲۱ میلیون هکتار به ۱۴ میلیون هکتار و فرسایش ۲ میلیارد تنی سالیانه که ۳ برابر متوسط آسیا است و معادل تخریب ۱ میلیون هکتار زمین کشاورزی است دانست، همچنین ایران رتبه ۱۳ تولید گازهای گلخانه‌ای در بین کشورهای جهان را داراست (نواح و فروتن کیا، ۱۳۹۰، ۶۹). از سوی دیگر عدم رعایت شاخص های "توسعه پایدار" لطمات جبران ناپذیری را به محیط زیست وارد آورده است، کشور ایران در رعایت شاخص پایداری محیط زیست، توسعه پایدار و کیفیت زندگی همواره رتبه پایین جدول جهانی را به خود اختصاص داده به گونه ای که جایگاه ایران در جدول شاخص های پایداری محیط زیست در سال ۲۰۱۶ رتبه ۱۰۵ در میان ۱۸۰ کشور بوده است، این در حالی است که ایران در سال ۲۰۱۰ در مقام ۷۸ و در سال ۲۰۰۸ در رتبه ۶۸ قرار داشت. گزارش شاخص جهانی عملکرد محیط زیست ۲۰۱۶: ۳۳^۱.

با توجه به اهمیت محیط زیست در فراهم کردن اساس توسعه پایدار، امروزه شاهد بروز مشکلات عدیده ای از جمله گرم شدن کره زمین، زوال تنوع زیستی، دفع غیر استاندارد پسماند های هسته‌ای، تغییرات اقلیمی، تخریب زیستگاه جانداران، آلودگی آب و هوا و خاک و مواردی از این دست هستیم که به طور کلی باید اذعان داشت موجب ناامنی زیست محیطی گردیده است. در استان مازندران نیز به جهت دارا بودن از موقعیت جغرافیایی و منابع طبیعی ویژه بدون شک، ادامه روند افزایش جرایم زیست محیطی موجب از بین رفتن محیط طبیعی و به تبع آن نابودی اقتصاد این استان خواهد شد.

1- Global Environmental performance index

جهت نمونه صنعت گردشگری بزرگترین صنعت خدماتی جهان از نظر درآمد زایی شناخته شده است (جیگوویچ ، ۲۰۱۶، ۳۵۲)، اما توجه بیش از اندازه و یکجانبه به ابعاد اقتصادی گردشگری و توسعه بی رویه فعالیت‌های اقتصادی بهره‌برداری بی رویه از منابع و توسعه فعالیت‌های ناسازگار با محیط، سبب اعمال فشار زیادی بر محیط زیست طبیعی شده است (بو و همکاران ۲۰۱۲، ۱۲۵). به این جهت ادامه روند ارتکاب به جرایم زیست محیطی در استان مازندران می‌تواند منجر به کاهش و یا از بین رفتن اقتصاد گردشگری در این استان گردد، از این رو حفاظت و حمایت از محیط زیست را باید به یکی از ارزش‌های جوامع انسانی تعبیر کرد.

بدیهی است که نظام کیفی جهت حصول به اهداف خود در حوزه محیط زیست باید دارای یک سیاست کیفی منسجم باشد، لکن در کشور ایران به دلیل کمبود مطالعات میدانی در زمینه محیط زیست حمایت کیفی از این مهم مثبت ارزیابی نمی‌شود و شاهد آشفتگی‌های سیاست حاکم بر جرایم و مجازات‌های پیش‌بینی شده در این زمینه هستیم، در این ارتباط (نجفی‌توانا، ۱۳۸۶، ۱۲) تاکید می‌کند: «نتیجه اجتناب ناپذیر این برخورد غیراصولی تدوین قوانینی است که از سر تعجیل و شتابزدگی و بدون تأمل کارشناسی به تصویب رسیده و نابسامانی بسیاری را در دستگاه عدالت موجب گشته و حقوق شهروندان را به انحای مختلف در معرض تهدید و تعرض قرار داده است.» علاوه بر تورم قوانین کیفی در حوزه محیط زیست مشکل ثانویه عدم تناسب مجازات‌های پیش‌بینی شده توسط قانونگذار با شدت رفتارهای مجرمانه است، به این معنا که با توجه به جایگاه محیط زیست در زندگی انسان و گستردگی بزه دیدگان جرایم زیست محیطی شایسته است، تا کیفر این دسته از جرایم حداقل اهداف مجازات‌ها از جمله ارباب‌آمیز بودن و دارا بودن قدرت بازدارندگی را برآورده نماید.

موضوعات پیرامون جرایم زیست محیطی قابل بحث و تعمق بسیاری است، ولی آنچه در این مقاله مستمسک محقق برای طرح این موضوع قرار گرفته است، اهمیت ارائه مبانی نظری قوی در پرتو مطالعات میدانی و لزوم به کارگیری جرم‌شناسی کاربردی است، چراکه جرم‌شناسی کاربردی در واقع یافته‌ها و تعلیماتی که از مشاهده و مطالعه میدانی و آمار جنایی به دست می‌آید را به نظام کیفی و جامعه عرضه می‌کند. بر این اساس روش تحقیق در این مقاله بر حسب هدف از نوع کاربردی است چراکه هدف آن توسعه

دانش است و نوع تحقیق در این پژوهش، تحقیق توصیفی از نوع پیمایشی و همبستگی می باشد. در این راستا پرسشنامه ای با عنوان مدل ارزیابی سیاست کیفری ایران در مورد جرایم زیست محیطی با تمرکز بر زیست بوم استان مازندران که پرسشنامه محقق ساخته برگرفته از چندین نظریه حقوقی می باشد از جمله: نظریه مجرمین یقه سفید از ادوین ساترلند^۱، نظریه کنترل اجتماعی از تراویس هیرشی^۲، نظریه بازدارندگی برآمده از تفکرات اندیشمندان نظیر بنتام و بکاریا^۳، نظریه فنون خنثی سازی از دیوید ماتزا^۴ گرشام سایکس^۵ و همچنین از رویکرد عدالت تریمی در جهت تدوین مدل مفهومی و همچنین متغیرهای تحقیق و ابعاد هر یک از متغیرها استفاده شده است. از این رو در مقاله حاضر در بخش نخست به معرفی اصطلاحات و بررسی نظریات جرم شناسی می پردازیم و در بخش دوم به بررسی و تجزیه و تحلیل داده های آماری حاصل از پاسخ گویی ۳۸۵ نفر از افراد بالای ۱۸ سال در استان مازندران، به پرسشنامه محقق، اختصاص خواهد یافت.

۱- مبانی نظری

۱-۱- مفهوم شناسی

۱-۱-۱ جرایم زیست محیطی: ماده ۲ قانون مجازات اسلامی در تعریف جرم اشعار می دارد: «هر رفتاری اعم از فعل یا ترک فعلی که در قانون برای آن مجازات تعیین شده است جرم محسوب می شود». در میان انواع جرائم، جرم هایی هستند که به دلیل تخریب و آسیب به محیط زیست، جرایم زیست محیطی لقب گرفته اند. در سال های اخیر شاخه ای از حقوق کیفری با عنوان حقوق کیفری محیط زیست پدید آمده است، که هدف آن "شناخت رفتارهای ضد اجتماعی از نگاه محیط زیست و یافتن پاسخ مناسب به اقداماتی است که منجر به آلودگی و تخریب محیط زیست و به خطرات فساد سلامت و تضییع حقوق شهروندی می گردد" (قاسمی، ۱۳۸۴: ۱۳) می باشد.

در کتاب "ترمینولوژی حقوق محیط زیست"، در تعریف جرم زیست محیطی آمده

- 1- Edwin. H Sutherland
- 2- T. Hirchi
- 3- Bentham , Beccaria
- 4- D.Matza
- 5- G.Sykes

است: «هر نوع فعل یا ترک فعلی که باعث ورود آسیب و صدمه شدید به محیط زیست و به خطر انداختن زندگی و سلامت بشر شده و موجب قانون برای آن مجازات تعیین شده است» (مشهدی، ۱۳۹۴، ۹۳). کارابین و همکاران (۲۰۰۴) در تعریف این جرائم آن را شامل جرایمی می‌دانند که فعالیتهای بشری به طور مستقیم منجر به تخریب و اتمام منابع طبیعی در جهان می‌شود، این جرائم شامل جرائم مرتبط با انقراض گونه‌های گیاهی و جانوری (مثل قاچاق حیوانات کمیاب و یا قسمتی از بدن آنها) جرائم مرتبط با جنگل، جرایم مرتبط با آلودگی هوا، آب و خاک می‌شوند.

امروزه برخی از نویسندگان با توجه به معیارهای مختلف اقدام به طبقه بندی جرایم زیست محیطی کرده اند، از جمله این معیارها، معیار آسیب مستقیم به محیط زیست و جراثمی است که مرتبط با محیط زیست است که موجب طبقه بندی جرایم زیست محیطی به دو دسته جرائم سبز اولیه و جرائم سبز ثانویه است (عبداللهی، ۱۳۸۶: ۱۰۶). جرایم سبز اولیه که مستقیماً از آلوده کردن و تخریب منابع زمین ناشی می‌شود عبارت اند از جرایم مربوط به آلودگی هوا^۱ جرائم مربوط به جنگل زدایی^۲ جرایم مربوط به کاهش گونه ها و جرائم علیه حقوق حیوانات^۳ جرائم مربوط به آلودگی آب^۴، و جرائم سبز ثانویه نیز عبارت است از خشونت دولتی علیه گروههای مخالف^۵ و زباله های خطرناک و جرم سازمان یافته^۶.

جرایم ارتكابی نسبت به محیط زیست را می‌توان شامل تمام جرایم امور مربوط به جانوران وحشی، آبیان، تخریب جنگل ها و مراتع که باعث برهم خوردن تعادل در محیط زیست شده است به شمار آورد، همچنین جرائم ارتكابی نسبت به عناصری جان محیط زیست از قبیل: آب و هوا، خاک، صدا، آلودگی شیمیایی را نیز می‌توان نوع دیگری از جرایم زیست محیطی قلمداد نمود. لکن تعریف جرم زیست محیطی در جرم شناسی چیزی فراتر از عناصر قانونی این گونه جرایم در قانون می‌باشد و علاوه بر جنبه ی حقوقی،

- 1- Crimes of Pollution
- 2- Crimes of Deforestation
- 3- Crimes of Species decline and animal rights
- 4- Crimes of Water pollution.
- 5- State violence against oppositional groups
- 6- Hazardous waste and organized crime.

به آسیب های زیست محیطی که در چارچوب قانون تعریف نشده اند نیز می پردازد. از این رو تبیین جرایم زیست محیطی با نظریات رشته های حقوق کیفری، جرم شناسی و جامعه شناختی فرصت مناسبی برای پیوند نظری بین این رشته ها را فراهم می آورد.

۱-۱-۲ سیاست کیفری: اصطلاح "سیاست جنایی" به عنوان رشته مطالعاتی علمی برای نخستین بار توسط دانشمند آلمانی "فوئر باخ" در کتاب "حقوق کیفری" (۱۸۰۳ م) ذکر شده است. فوئر باخ سیاست جنایی را مجموعه شیوه های سرکوبگر که دولت با استفاده از آنها علیه جرم واکنش نشان می دهد تعریف کرده و بدین ترتیب مفهوم مضیق ای ارائه کرده است که در حقیقت همان "سیاست کیفری" است. (لازرز ۱۳۸۲: ۱۰).

سیاست کیفری بنیان اساسی تصویب قوانین جزایی هر کشور و مهندسی کیفری واکنش مناسب در برابر جرم و مجرم و برخورد موفقیت آمیز با آن ها می باشد. در جوامع مختلف بشری واکنش به پدیده ی بزهکاری بر حسب فرهنگ اندیشه آن ها متفاوت بوده است، ویژگی اصلی این واکنش به پدیده مجرمانه استفاده از مجازات کیفری می باشد که برخلاف سایر واکنش ها که ناظر بر پیشگیری و درمان و سایر ابزارهای غیر رسمی می باشد، ناظر به مجازات های تادیبی و بازدارنده می باشد، به این واکنش های کیفری در اصطلاح ساده «سیاست کیفری» گفته می شود (کی نیا، ۱۳۸۵، ۲۹). در یک تعریف جامع می توان گفت: «سیاست کیفری مجموعه ای از اقدامات است که نظام کیفری از طریق قوه قضاییه و با بکار بستن قوانین جزایی بدان می پردازد، و تنها برخورد کیفری با پدیده جنایی دارد و ابزار آن مجازات ها و اقدامات تامینی و تربیتی است و شامل اقدامات قضایی است که مربوط به مرحله پیش از محاکمه، مرحله محاکمه، مرحله رسیدگی، و در نهایت مرحله اجرا، یعنی به طور کلی پس از ارتکاب جرم می باشد» (قیاسی، ۱۳۸۸، ۱۸۶)

در سیاست کیفری ضمانت اجرای کیفری از اهمیت فوق العاده ای برخوردارند و اصولاً جرم انگاری با مجازات معنا پیدا می کند (صالحی، ۱۳۸۹: ۳۰). بنابراین سیاست کیفری، همان چگونگی به کار بستن قوانین و مقررات کیفری، ماهوی و شکلی در سیستم عدالت کیفری در جهت مبارزه و سرکوبی جرم است که در صلاحیت دادگستری، پلیس، سازمان زندانها، (قوای عمومی دولتی) قرار می گیرد، بدون این که نهادهای اجتماعی در آن دخالت داشته باشند. شاید به همین دلیل باشد که وسایل و ابزارهای کیفری، نه بهترین، و نه تنها ابزارهایی هستند که جامعه برای دفاع از خود در اختیار دارد (پرادل

(۱۳۸۴: ۱۲۴).

براین اساس سیاست‌گذاری کیفی، سیاست انتخاب روش یا تعیین اولویت‌های مقابله قهری با مجرمین می‌باشد که این انتخاب تحت تاثیر عوامل مختلف مخصوصاً مبانی فکری قانونگذار می‌باشد، به همین جهت کشورهای مختلف سیاست‌گذاری متفاوتی را در پیش گرفته‌اند که عوامل اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و غیره در آن نقش پررنگی را بازی می‌کنند، بنابراین سیاست‌گذاری بنیان اساسی تصویب قوانین جزایی هر کشور و تدبیر شایسته جهت واکنش مناسب در برابر جرم و مجرم و برخورد موفقیت‌آمیز با آن‌ها می‌باشد.

۱-۳- توسعه پایدار: پاسخ حقوق محیط زیست به تهدیدات محیط زیستی در سطح کلان منجر به وجود آمدن و بسط و پیشرفت مفهوم توسعه پایدار شد (میرمحمد تبار دیوکلایی، ۱۳۹۷، ۱۲). این اصطلاح هسته اصلی بسیاری از مباحث حوزه حقوق محیط زیست است.

تدوین و تکمیل این اصطلاح توسط کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه (کمیسیون برونلند) در ۱۹۸۷ صورت گرفت و سپس به وسیله سازمان ملل متحد پایه ای برای تشکیل کنفرانس ریو دو ژانیرو گردید. مطابق تعریف کمیسیون برونلند توسعه پایدار به معنای توانایی نسل حاضر برای تأمین نیازهای ایشان است، بدون آن که ظرفیت نسل آینده دیگر مردمان را در برآوردن نیازهای شان به خطر اندازد. این مسئله بعداً در دکنترین حقوقی به عنوان یکی از اصول بنیادین حقوق محیط زیست مطرح گردید. مفهوم توسعه پایدار تمرکز بر کانون محدود سنتی توسعه را تغییر می‌دهد، به طوری که نگرش جدید تلاش بر همراه کردن امور اقتصادی و اکولوژی برای اطمینان از رفاه بلند مدت انسان‌ها و سلامت سیاره را تعقیب می‌کند (کیس و همکاران، ۲۰۱۳: ۲۰).

یک جنبه اساسی مسئله توسعه پایدار این حقیقت است که، منابع طبیعی به عنوان یک ثروت نامحدود نیستند، بلکه کمبود فزاینده این منابع عاملی محدودکننده در توسعه است. در این خصوص پاتر (۲۰۱۰) بیان می‌کند: «همه این مشکلات زیست محیطی به سرعت در حال افزایش اند و در صورتی که تمهیدات جدی برای جلوگیری از آنها صورت نگیرد نتایج جبران ناپذیری را شاهد خواهیم بود» استوارت (۲۰۱۱) در این

خصوص تاکید می کند «توسعه پایدار به معنای تلفیق اهداف اقتصادی اجتماعی و زیست محیطی برای حداکثرسازی رفاه انسان فعلی بدون آسیب به توانایی نسل های آتی برای برآوردن نیازهای شان می باشد».

در باب رابطه بین جرائم زیست محیطی و توسعه پایدار باید به مباحث نظری توسعه و جرم اشاره نمود، سیاستگذاران عرصه توسعه، برای نزدیک شدن به معیارها و شاخص های توسعه، به محورهای متنوعی توجه نموده اند که از جمله آن می توان به رابطه متقابل «جرم و توسعه» اشاره نمود. مقوله ای که در آن، جرم به عنوان یک موضوع کلیدی در راهبرد توسعه کشور در نظر گرفته می شود (گزارش اداره جرم و مواد مخدر سازمان ملل، ۲۰۰۷، ۱۴). با توجه به بعد زیست محیطی توسعه پایدار و هدف اصلی آن که حفاظت از محیط زیست می باشد، می توان بیان کرد که وقوع جرایم زیست محیطی در تناقض با هدف حفاظت از محیط زیست قرار دارد و باید به اهمیت وقوع این نوع جرایم در ایجاد اختلال در دستیابی به توسعه پایدار توجه بیشتری کرد. از این رو لازم است، رفتار دولت ها به عنوان یکی از عمده ترین دلایل در آلودگی محیط زیست، در گستره آسیب های زیست محیطی از مصونیت کیفری خارج شده و مسئولیتی متناسب با میزان خسارت زیست محیطی برای دولت ها به صورت شفاف شناسایی شود تا با حاکمیت بین المللی زیست محیطی و توجه بیشتر به مبحث اقتصاد سبز و همچنین مشارکت آگاهانه در اجرای قوانین بین المللی جهت جلوگیری از تهدیدات پیش روی محیط زیست جهانی به استمرار محیط زیست و برقراری توسعه پایدار دست یابیم. در زمینه پیشگیری از جرم نیز، بررسی مدل های توسعه پایدار و تاثیر آن بر مدیریت و کنترل جرم دارای اهمیت است، توسعه پایدار بر روی بازار و ساختارهای اقتصادی و سیاسی جامعه تاکید می کند تا به فرایندهای توسعه پایدار پاسخ دهد.

۱-۲ تعیین نظریه ها

بعد از تعریف مفاهیم کلی تحقیق به تحلیل و توضیح نظرات جرم شناسی می پردازیم.

۱-۲-۱ نظریه بازدارندگی مجازات ها: نظریه بازدارندگی مجازات با تکیه بر مسئولیت فردی، معتقد به اصل آزادی اراده در ارتکاب عمل

می‌باشد. این تئوری ملهم از اندیشه‌های متفکرانی چون بنتام و بکاریا و مبتنی بر ترس از مجازات است. زمانی که ترس از نتایج منفی ارتکاب یک رفتار منحرفانه بالا باشد افراد از آن دوری می‌کنند، و آن را انجام نمی‌دهند. ترس بر اساس تفسیر ذهنی از پیامدهای منفی بالقوه یک رفتار خاص است و در میان افراد و شرایط متفاوت است (میرمحمدتبار، ۱۳۹۷، ۳۲۵).

نظریه بازدارندگی جزئی از نظریه انتخاب عقلانی می‌باشد. به این دلیل که دارای مفروضات مشترک هستند. این نظریه در لوای مکتب نئوکلاسیک شکل گرفته است، و بدین ترتیب این دیدگاه بر آن است که افراد را باید کاملاً در برابر کنشهای خود مسئول دانست. به همین سبب ماهیت جرم را اصولاً از نوع‌گزینش عقلانی می‌دانند و در عین حال این مفهوم را در بر دارنده گونه‌های متفاوت محرک‌های برانگیزاننده و بازدارنده محسوب می‌دارد (وایت، هینز، ۱۳۹۵: ۳۰۱). یکی از نتایج منطقی اندیشه سزادهی، این است که معیار سنجش کیفیت، عمل مجرمانه و ویژگی‌های مرتکب آن است، در این خصوص بنتام نتیجه می‌گیرد که مجازات باید فقط آنقدر شدت داشته باشد که نفع اجتماعی عاید گردد، و کسی که مرتکب جرم شده متوجه باشد که این کار نفعی برای او نداشته و نهایتاً از انجام آن صرف نظر کند. از نظر او، مجازات باید آنچنان باشد که عدالت اقتضا می‌کند و پا فراتر نهادن از این موضوع، موجب انحراف جامعه از مسیر اصلی خود که رعایت مصالح جامعه می‌باشد، می‌شود (شامبیاتی، ۱۳۹۴: ۲۳۷).

این نظریه با تاکید بر بزهکار، ارتکاب رفتار نابهنجار مبتنی بر عقلانیت را مستحق اعمال کیفر می‌داند و بالحاظ ناکارآمدی سیاست‌های اصلاحی در پرتو مکتب نئوکلاسیک متجلی می‌گردد. سیاست پنجره‌های شکسته که از طریق اعطای اختیارات گسترده به پلیس برای دستگیری مرتکبین جرائم کوچک که این روش به دنبال آن است که از بی‌نظمی اجتماعی که خود منجر به جرائم مهم می‌شود جلوگیری کند. در همین راستا سیاست تسامح یا تساهل صفر که این سیاست بر مبنای بازرسی‌های بیشتر شهروندان با هدف کشف جرائم است (نجفی‌توانا، ۱۳۹۹: ۱۰۵) در هم‌نوایی با نظریه بازدارندگی و بر مبنای نوعی سنجش عقلانی از سوی بزهکار ترسیم شده است.

نظریه بازدارندگی برای تبیین جرایم زیست محیطی می‌تواند مفید باشد و تحقیقات مختلفی درباره کاربرد این نظریه در تبیین این نوع جرائم انجام شده است. برای

مثال اوزبورن و وین استنلی^۱ (۲۰۰۶) در تحقیقی به این نتیجه رسیده‌اند که ماهیگیری غیرقانونی در مکان‌هایی که قوانین راحت و سهل‌انگارانه‌ای برای مجازات افراد خاطی دارند، بیشتر اتفاق می‌افتد. بیشتر محققان با تکیه بر نظریه بازدارندگی به تبیین شکارها و تجارت‌های غیرقانونی در حیات وحش پرداخته‌اند (آیلینگ، ۲۰۱۳: ۵۹).

یکی از معیارهای توفیق ضمانت اجرای کیفری در عمل، ایجاد بازدارندگی است، به گونه‌ای که تابعان حقوق کیفری با توجه به نوع کیفرانتخاب شده، ارتکاب جرم را به عنوان ابزاری برای نیل به اهداف خود انتخاب نکنند. هرچند یکی از انتقاداتی که به این نظریه وارد است، ناشی از ریشه‌های انتخاب عقلانی آن می‌باشد. چافلین و همکاران (۲۰۱۲) بیان می‌کنند که همه افراد در انتخابشان آزاد و بدون دغدغه نیستند و بر این انتخاب عقلانی‌شان عوامل مختلفی تاثیرگذار است. ارتکاب جرم غالباً متأثر از عوامل مختلف روانی، زیستی و اجتماعی است و فقط نمی‌توان آن را به محاسبه‌گری محدود نمود، با این وجود آنچه اهمیت دارد آن است که بیشتر جرایم محیطی توسط اشخاص مطلع جهت رسیدن به سود بیشتر و با محاسبه قبلی صورت می‌گیرد. بنابراین چنانچه مجازات‌های انتخابی توسط قانونگذار موازنه فوق را به نفع حفاظت از محیط زیست سنگین نکند، شاهد عدم تاثیر مناسب مجازات‌ها در عمل خواهیم بود (کوشکی، ۱۳۸۶، ۹۶).

بر این اساس نظریه بازدارندگی مدعی است که به دلیل احتمال مجازات مرتبط با اعمال مجرمانه، می‌توان از ارتکاب این نوع جرایم جلوگیری نمود، زمانی که ترس از نتایج منفی ارتکاب یک رفتار مجرمانه بالا باشد، افراد از آن رفتار دوری می‌کنند، این در حالی است که اگر این ترس کم باشد احتمال بیشتری دارد که افراد آن رفتار مجرمانه را انجام دهند.

۱-۲-۲- نظریه فنون خنثی سازی: دیوید ماتزا و گرشام سایکس، الگویی را برای

تبیین کجروی ارائه دادند که درونمایه‌های متفاوتی را در خود جمع دارد. نخست با پرداختن به این که کجروان راه فرار از فشارهای هم‌نواایی را از جامعه می‌آموزند، به نقش یادگیری اشاره می‌کنند. دوم، به این نکته توجه می‌دهند که کجروان (به ویژه نوجوانان و جوانان که در برابر برجسب‌های جامعه آسیب پذیرترند) پس از مواجه شدن با واکنش

1- Osborne and Winstanley

جامعه، به بازنگری در خود پنداره و سپس رفتار خود می‌پردازند. سوم، مثل نظریه‌های کنترل فشارهای عاطفی و ارزشی جامعه بر کجروان را یکی از عوامل بازدارنده جرم و تجریمی می‌شمارند. و چهارم، هدف کجروان را از توسل به فنون خنثی سازی رها شدن از فشارهای همنوایی می‌داند (سلیمی و داوری، ۱۳۹۳: ۴۳۰).

با تکنیک‌های خنثی سازی فرد راه ارتکاب را برای خود تسهیل می‌کند. خنثی سازی باعث می‌شود عقلانیت مجرم او را از ارتکاب جرم باز ندارد، در واقع منظور از خنثی سازی در اینجا خنثی سازی عقلانیت است. خنثی کردن نیروی وجدان یا پلیس درونی منظور است، و دلیل تراشی‌ها به فرد اجازه می‌دهد اعتبار هنجار و ارزش‌ها یا یک ماده قانونی را خنثی و آنها را برای خود بی‌اثر کند.

خنثی سازی را می‌توان یک فرآیند اجتماعی و روانی دانست که در طول آن، فرد بزهکار از طریق فنون خاص رفتار مجرمانه را برای خود یا دیگران توجیه کرده و بر احساس شرم و گناه درونی خود غلبه می‌کند، این ساز و کار مشتمل بر پنج فن می‌باشد که عبارت است از: الف) انکار مسئولیت، ب) انکار ضرر، ج) انکار قربانی، د) سرزنش مجازات‌کننده، ه) پایبندی به اعتقادات و تعهدات بالاتر (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۷، ۳۳۳).

وقتی بزهکار فنون خنثی سازی مجرم را به کار می‌بندد و التزام اخلاقی به قانون سست می‌شود، در یک وضعیت سرگردانی قرار می‌گیرد و در این وضعیت است که از میان اعمال قانونی یا بزهکارانه یکی را انتخاب خواهد کرد. سرگردانی زمانی اتفاق می‌افتد که کنترل‌های اجتماعی سست یا تضعیف می‌شود. کنترل‌های اجتماعی که برای منع و جلوگیری از ایجاد الگوی‌های انگیزشی شخص منحرف اعمال می‌شوند، کارآمد نیستند. این افراد به طور آزادانه و بدون اینکه زبانی را متوجه خود ببینند، دست به ارتکاب جرم می‌زنند. در این برداشت بزهکار به نظام هنجارهای حاکم متعهد باقی می‌ماند با وجود این دستورات این نظام هنجاری را به گونه‌ای برای خود تفسیر می‌کند که نقض آن‌ها اگرچه نادرست اما قابل قبول است (میر محمدتبار دیوکلابی، ۱۳۹۷: ۱۰۳). سایکس و ماتز (۱۹۵۷) معتقدند که افراد قبل و بعد از ارتکاب رفتارهای مجرمانه از این فنون استفاده می‌کنند. به این ترتیب تاکید نظریه فنون خنثی سازی بر عمل مجرمانه و عقلانیت مجرم است، که به موجب آن مجرم فرد نامتعارفی نسبت به دیگران شناخته نمی‌شود.

تحقیقات مختلفی مثل فوریت و مارکیز (۱۳۹۳) و الیسون و دادلر (۲۰۰۰) به بررسی

جرایم زیست محیطی با استفاده از نظران خنثی سازی و انتخاب عاقلانه پرداختند، آنها مفروض می‌گیرند که افرادی که از قوانین زیست محیطی تخطی می‌نمایند، هنجارهای اکثریت جامعه را قبول دارند ولی با استفاده از فنون خنثی سازی، آن‌ها قادر به تخطی از قوانین زیست محیطی، بدون احساس شرم و گناه می‌شوند (میر محمد تبار، ۱۳۹۷، ۲۳۵). بزهکاران درصددند که رفتارهای ناهنجار خود را توجیه کنند تا از زیر بار انتقادات و مجازات‌ها رسمی و غیررسمی فرار نمایند، آن‌ها تلاش می‌کنند روش‌هایی را بکارگیرند که هنجارهای رسمی بی‌اثر شود. آن‌ها با این کار خودشان را برای ارتکاب تخلف یا جرم مجاب می‌کنند. در این شرایط افراد اصول ارزشی و اخلاقی غالب در جامعه را طرد نمی‌کنند و آن‌ها را می‌پذیرند ولی همزمان توجیهاتی موقتی برای رفتارهای مخالف ارزش‌ها و هنجارهای جامعه می‌تراشند. یکی از این روش‌ها که منجر به جرایم زیست محیطی می‌شود، ادعای عادی بودن می‌باشد، این روش به این نوع توجیه اشاره دارد که رفتارهای مجرمانه مانند شکار غیرقانونی حیوانات در همه جا شایع است و این شایع بودن باعث می‌شود که این رفتارها، مجرمانه تلقی نگردد، چون این رفتارها دائماً در حال تکرار است، بنابراین مجرمانه نیست. یکی دیگر از توجیهاتی که در حوزه جرایم زیست محیطی کاربرد زیادی دارد، انکار آسیب و قربانی است، بدین صورت که مجرمان زیست محیطی بیان می‌کنند که رفتارهای بزهکارانه آن‌ها مانند شکار غیرمجاز پرنده به هیچ کس و هیچ چیز آسیب نمی‌رساند و دلیلی ندارد که آن‌ها مجازات شوند.

۲-۳-۱- **رهیافت مربوط به گروه مجرمین یقه سفید:** بسیاری از صاحبان ثروت و منزلت جرم‌هایی را مرتکب می‌شوند، که نتایجی به مراتب وخیم‌تر و فراگیرتر از جرم‌های توده‌های فقیر دارد. اصطلاح "یقه سفیدها" را "ادوین ساترلند" برای اولین بار در سال ۱۹۳۹ در خصوص جرم‌های افرادی به کار برده است، که در بخش‌های مرفه‌تر جامعه بوده و در سطح جامعه صاحب احترام و منزلت اند. افرادی که به جای زندگی در حاشیه جامعه، با انطباق و سازگاری کامل با محیط خود عمل می‌کنند. (پیکا، ۱۳۷۰: ۷۵). از مقام و عنوان برخوردارند، معمولاً از آموزش‌های لازم بی‌بهره نیستند، و سطح زندگی نسبتاً مرفهی دارند، و بر همین اساس توان آن‌ها دارند که به شیوه‌های گوناگون، و به ویژه با استفاده از قدرت مادی، بر اعمال بزهکارانه خود سرپوش بگذارند. (مظلومان، ۱۳۵۳: ۹۵).

ساترلند جرایم زیست محیطی و جرایم شرکتی را به عنوان بخشی از جرائم یقه

سفیدها مورد بررسی قرار داد. جرم شرکتی، به این نحو تعریف شده است که، «جرائم شرکتی شامل تجاوز و یا نقض قوانین است که به وسیله کارگران بر عهده شرکت و معمولاً برای اهداف شخصی ارتکاب پیدا می‌کند». اینگونه جرایم توسط کارکنان ممکن است به منظور کاهش هزینه‌های شرکت، افزایش فروش یا افزایش قیمت محصولات ارتکاب یابد. که در هر صورت سبب افزایش منافع شرکت می‌گردد. مثال‌هایی مانند کوتاهی در نصب یا اجرای کامل لوازم کنترل آلودگی که به موجب قوانین محیط زیست ضروری می‌باشند یا در معرض ناامنی قرار دادن محل کار کارگران و نقص ایمنی شغلی و حق سلامت آنها یا فروش کالاهای خطرناک یا معیوب (گربرو و جنسن، ۲۰۰۷: ۵۳). برخی پژوهشگران معتقدند جرایم یقه سفیدی به آن نوع قانون شکنی‌های دارای ضمانت اجرای کیفری گفته می‌شود، که متضمن سوء استفاده مرتکب از موقعیت مهم، قدرت، نفوذ یا اعتماد در یک نظام سازمانی سیاسی یا اقتصادی مشروع به منظور کسب درآمدهای نامشروع یا ارتکاب رفتاری غیرقانونی برای منافع شخصی یا سازمانی است (بنسون و سیمپسون، ۱۳۹۱: ۷۱). در جرائم زیست محیطی به ویژه جرایم ارتكابی یقه سفیدها، از آن جهت که بزه دیدگی نامحسوس تراست، کشف جرم، به ندرت صورت می‌پذیرد. برای مثال در مواردی که اقدامات انجام گرفته در طول چندین دهه موجب فرسایش تدریجی جنگل‌ها و محیط زیست طبیعی می‌شود، بزه دیده مستقیم وجود ندارد، ولی در طول زمان کل جمعیت یک منطقه و بلکه کل جهانیان از چنین اقدامی متضرر می‌شوند. (سلیمی، ۱۳۸۷: ۲۴۹). از دیگر سو اندازه‌گیری واقعی جرایم زیست محیطی برای جرم‌انگاری آنها نیز کاری مشکل است. چراکه می‌توان گفت تمامی شرکت‌های تولیدی مرتکب جرایم زیست محیطی می‌شوند، اما ممکن است در برخی مناطق یا حتی کشورها، استانداردهای سخت زیست محیطی وجود نداشته باشد و این امر موجب می‌شود شرکت‌هایی که در مناطق تحت پوشش مقررات زیست محیطی هستند آثار زیانبار یا پسماندهای خود را به آنجا منتقل کنند. در اینجاست که در مسیر اجرای بسیاری از قوانین زیست محیطی میان وظیفه‌ی حمایت از محیط زیست و ارتقای منافع صنایع چالش‌هایی به وجود می‌آید.

۴-۲-۱ نظریه کنترل اجتماعی: این نظریه با نام هیروشی عجین شده است، هیروشی در کتاب خود با عنوان "علل بزهکاری" که در سال ۱۹۶۹ منتشر شد استدلال نمود، تبیین علل بزهکاری ضرورتی ندارد، زیرا «همه ما جزء حیوانات بوده و از این رو

همگی به طور طبیعی قادر به ارتکاب اعمال مجرمانه ایم» (هیروشی، ۱۹۶۹: ۳۱). هیروشی معتقد است که انسان ذاتاً منحرف است، ناهمنوایی و پشت کردن به هنجارها در ذات انسان هاست، اصل بر این است که انسان هنجارشکن است، پس همنوایی و قانون‌گرایی استثناست. لذا سوال اصلی باید این باشد که چرا عده ای همنوا قانون هستند و مرتکب جرم نمی‌شوند؟ هیروشی به دنبال بیان انگیزه‌هایی است که افراد را به سمت قبول و پذیرش رفتار بهنجار سوق میدهد. چه چیزی باعث می‌شود انسان قانون‌گرا بشود؟ هیروشی معتقد است که ما باید انواع کنترل‌ها و روابط و انواع موانع سبب این کار را بررسی کنیم. هیروشی بیان می‌دارد که "علقه‌ها یا پیوندهای اجتماعی" متعارف مثل زناشویی، دوستی، همکار بودن و غیره، نقش کنترل‌کننده عمده‌ای را در عدم ارتکاب جرم ایفا می‌کنند (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۷: ۳۳۰).

هیروشی الگویی را ارائه داده که گاه با نام نظریه پیوند از آن یاد می‌شود، وی پیدایش کجروی را معلول ضعف همبستگی در گروه‌ها و نهادهای اجتماعی و تضعیف اعتقادات و باورهای موجود در جامعه می‌شمرد. در این الگو هیروشی از یک سو خود را از این تحلیل دورکیم متأثر می‌بیند که مدعی است «کجروی یا خودکشی ناشی از ضعف یا گسستگی تعلق فرد به جامعه است». اما از سویی دیگر انسان را به خودی خود متکی و پایبند به اصول اخلاق و مانند آن می‌داند، پس فرض را بر قطعی بودن تحقق کجروی در جامعه می‌گذارد و به ریشه‌یابی وقوع همنوایی در جامعه می‌پردازد (سلیمی و داوری، ۱۳۹۳: ۳۹۱). وی در این خصوص چهار عنصر: الف) دلبستگی، ب) تعهد، ج) مشارکت، د) باور، را به عنوان عناصر پیوند دهنده افراد به یکدیگر و جامعه معرفی می‌کند.

بر این اساس این نظریه بیان می‌کند، کج روی معلول گسست یا ضعف تعلق فرد به جامعه است و از سوی دیگر پیوند میان فرد و جامعه علت هم‌نوایی و عامل اصلی کنترل رفتارهای فرد است و ضعف این پیوند دلیل اصلی کج رفتاری می‌باشد، بنابراین ارتکاب جرایم زیست محیطی توسط افرادی که به ارزش‌های زیست محیطی باور دارند و از طریق آموزش صحیح در دوران رشد، ارزش و اهمیت پایداری محیط زیست را درک کرده‌اند، دور از تصور است. از این رو، تعلق خاطر افراد به جامعه، تعهد آنان به امور متداول، زندگی روزمره همنوا با هنجارهای اجتماعی، درگیر شدن آن‌ها در فعالیت‌های مختلف زندگی و اعتقاد به نظام هنجاری جامعه و همچنین همنوایی آنان با ارزش‌های اجتماع

احتمال ارتکاب جرایم زیست محیطی را کاهش می‌دهد، چراکه افرادی که مشارکت بیشتری در جامعه داشته باشند فرصت کم‌تری برای درگیری شدن در رفتارهای مجرمانه زیست محیطی دارند، به بیان دیگر تعلق خاطر و تقید نسبت به نهادها و سازمان‌ها می‌تواند افراد را در گروه‌های رسمی ادغام نموده و موجب کنترل فردی و اجتماعی گردد و رفتار افراد را منظم نماید.

۵-۲-۱ رویکرد عدالت ترمیمی: عدالت ترمیمی برای اولین بار توسط شخصی به نام آربارنت، در سال ۱۹۹۷ در آمریکا تحت عنوان مقاله‌ای با عنوان «ترمیم؛ پارادایم نوین عدالت کیفی» در نشریه به نام Ethics در طی یک مقاله تشریح و تبیین شد (فرهمنند، ۱۳۹۶: ۲۸). لیکن تا اواخر دهه ۱۹۹۰ که اشخاصی همچون مارتین رایت (۱۹۹۰)، ایگلاش (۱۹۹۷)، هوارد زهر (۱۹۸۵-۱۹۹۰)، وان نس و استرانگ (۱۹۹۷) در پی تعاریف علمی آن بر نیامدند عدالت ترمیمی به صورت معمول و رایج مفهوم کلاسیک و سنتی داشت و همچنان به عنوان واکنشی در برابر بزهکاری در جهان شناخته می‌شد (صبحی، ۱۳۹۴: ۱۶). تعریفی جامع از عدالت ترمیمی، در دسترس نیست و اتفاق نظری در خصوص تعریف فرایندهای عدالت ترمیمی وجود ندارد، و به همین جهت تعاریف ارائه شده از عدالت ترمیمی بعضاً ناظر به اهداف و فرایندهای ترمیمی است.

یکی از چالش‌های حقوقی حفاظت محیط زیست، کنترل موثر جرائم مربوطه، از طریق کارآمدی مجازات آنهاست. تخریب گسترده و تداوم جرایم محیط زیستی در بسیاری از کشورها نشان می‌دهد روش‌های کنونی در سرکوب جرائم چندان کارا نبودند. در ایران، به دلیل ناکارآمدی ابزارهای اقتصادی در کنترل تخریب محیط زیست، قانون‌گذار به سمت جرم‌انگاری فعالیت‌های مخرب رفته و از الگوی سنتی عدالت کیفی، یعنی اعمال حقوق و جزای نقدی استفاده کرده است. اما این مجازات‌ها به دلایل متعدد، کارآمدی لازم را نداشته‌اند. (فریادی، ۱۳۹۶: ۶۲۶).

در گفت‌وگوهای مرتبط با عدالت زیست بوم، مباحثه در خصوص اینکه جرایم زیست محیطی را باید از طریق مداخله کیفی یا ساز و کارهای مدنی و اداری حل و فصل کرد ادامه دارد. یکی از رویکردهای ناگزیر به مداخله در جرایم زیست محیطی می‌تواند رویکرد ترمیمی با ظرفیت‌های بالقوه آن برای جبران خسارت وارده به محیط زیست باشد. برخی پژوهش‌ها حاکی از آن است که برنامه‌های عدالت ترمیمی در مقایسه با متدهای

تصمیم‌گیری از بالا به پایین و نه چندان پویا و غیرقابل انعطاف، نتایج بهتری به بار آورده و موجب تعدیل وضعیتی گردیده که در حال تبدیل شدن به بحرانی ملی و منطقه‌ای بوده اند (برایت ویت، هژیرالسادات، ۱۳۹۷: ۱۲۲) هرچند ابزارهای کیفی، به دلیل قابلیت کنترل جرایم شدید محیط زیستی، الگوی غالب نظام های حقوقی، در برخورد با جرایم محیط زیست است، اما عدالت ترمیمی با تکیه بر رهیافت های ابداعی و نوآورانه خود می تواند به تحقق رویکردهای حمایتی در حوزه جرایم زیست محیطی کمک نماید.

در نظام حقوقی ایران، زمینه ی جبران خسارت های ناشی از جرایم زیست محیطی وجود دارد. این زمینه ها را می توان از دو منظر مقررات عمومی و اختصاصی نظاره‌گر بود. از جمله مقررات عمومی می‌توان به اصل ۳۴ قانون اساسی و ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری و ماده ۲۱۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ اشاره نمود و همچنین مقررات اختصاصی نیز در قوانین شکار و صید، قانون اصلاح لایحه قانونی حفظ و گسترش فضاهای سبز شهرها وجود دارند.

برنامه عدالت ترمیمی از آن جایی که مبتنی بر گفتگو و تبادل نظرات و تجربیات مرتکبان است، فرصتی فراهم می سازد تا بزهکار متوجه شود فنونی که وی به کار بسته، چندان صحیح نیستند و مبتنی بر تصورات باطل است. در واقع این برنامه فرصتی است تا فنون خنثی سازی خنثی شوند و فرد بزهکار با همان توجیهات پیشین به دنبال جرم نرود (میر محمد تبار، ۱۳۹۶، ۳۴۱). در جریان این برنامه بزهکار متوجه می شود ضرری که مورد انکار وی بوده، واقعا وارد شده است. قربانیانی که وی منکر او بود، عملا وجود دارند. مسئولیتی که وی آن را انکار می کرد، قابل انکار نیست. محکوم کنندگانی که وی آنان را ناپاک و مقصر می دانست، بری از این اتهامند و تعهدات و اعتقادات بالاتری که وی به آن ها استناد می کرد، از چنین جایگاهی برخوردار نیستند. همه اینها در طول برنامه ترمیمی ممکن است رخ دهند. یکی از روش های اصلی که در رویکرد عدالت ترمیمی وجود دارد این است که، مجرمان محیط زیست فعالیت هایی را برای جبران ضرری که به جامعه وارد کرده اند، انجام دهند (همان، ۳۴۲). این جبران می تواند به صورت نقدی یا غیر نقدی باشد. برای مثال افرادی که رفتارهای آلوده کننده ی محیط زیست انجام می دهند باید مبالغی را به عنوان جریمه به سازمان های مجری قانون پرداخت کنند تا آن سازمان ها آن مبالغ را برای رفع آلودگی از محیط زیست هزینه کنند. جبران می تواند به صورت غیر

نقدی و فعالیت‌های اجتماعی انجام شود، مثلاً آلوده‌کنندگان محیط زیست باید مجبور به فعالیت‌هایی همچون جمع‌آوری و پاک‌سازی زباله در برخی مناطق آلوده، کاشت درخت و غیره شوند.

۲- تجزیه و تحلیل داده‌های آماری

در این بخش، داده‌های حاصل از پرسشنامه‌ی تحقیق، سازماندهی، تلخیص و ارائه می‌شود. هدف از این بخش، تجزیه و تحلیل داده‌های به دست آمده و انجام آزمون فرضیات در چهارچوب فرایند و روش تحقیق تدوین شده است، از این جهت فصل اول به اعتبارسنجی تحقیق و فصل دوم به یافته‌های آماری اختصاص خواهد یافت.

۲-۱ اعتبارسنجی تحقیق

روایی (اعتبار) ازواژه روا به معنای جایز و درست گرفته شده است. روایی به معنای صحیح، درست بودن است. مقصود از روایی آن است که سؤالات مندرج در ابزار، دقیقاً متغیرها و موضوع مورد مطالعه را بسنجد (حافظ‌نیا، ۱۳۷۷: ۱۳۱).

اعتبار یا روایی بدین معنی است که ابزار اندازه‌گیری تا چه حد خصیصه مورد نظر را می‌سنجد. برای اندازه‌گیری روایی پرسشنامه، روش‌های مختلفی وجود دارد. اهمیت روایی از آن جهت است که اندازه‌گیری نامناسب و ناکافی می‌تواند هر پژوهش علمی را بی‌ارزش و ناروا سازد.

در این راستا پرسشنامه که مدل ارزیابی سیاست‌گذاری کیفی ایران در مورد جرایم زیست محیطی با تمرکز بر زیست بوم استان مازندران که پرسشنامه محقق ساخته برگرفته از چندین نظریه و تئوری حقوقی می‌باشد از جمله نظریه مجرمین یقه سفید از ادوین ساترلند و نظریه کنترل اجتماعی از تراویس هیروشی و نظریه بازدارندگی برآمده از تفکرات اندیشمندانی نظیر بنتام و بکاریا و نظریه فنون خنثی‌سازی از دیوید ماتزا و گرشام سایکس و همچنین از رویکرد عدالت تریمی در جهت تدوین مدل مفهومی و همچنین متغیرهای تحقیق و ابعاد هر یک از متغیرها استفاده شده است. جهت بررسی اعتبار مدل و زمینه‌های تحقیق طراحی شده است. متغیرهای پرسشنامه و شاخص‌های معرف متغیرهای اصلی پژوهش دارای طیف لیکرت پنج‌گزینه‌ای در جدول شماره ۱ داده شده است.

جدول ۱. شاخص‌های مربوط به پرسشنامه

نام بعد	نام متغیرها	تعداد سوالات	منبع متغیر
عملیاتی کردن متغیر بازدارندگی مجازات	بازدارندگی مجازات رسمی	۱۱	بننام و بکاربا
	بازدارندگی مجازات غیر رسمی	۴	
عملیاتی کردن متغیر فنون خنثی سازی	انکار قربانی	۲	دیویدماتراوگرشام سایکس
	انکار مسولیت	۲	
	انکار آسیب	۲	
	پیروی از اصل وفاداری	۲	
	سرزنش مجازات کننده	۲	
عملیاتی کردن متغیر مجرمین یقه سفید	اشخاص حقیقی	۳	ادوین ساترلند
	اشخاص حقوقی	۷	
کنترل اجتماعی	دلبستگی	۲	تراویس هیروشی
	تعهد	۲	
	مشارکت	۲	
	باور	۲	
عدالت ترمیمی	جبران خسارت	۲	
	مشارکت اجتماعی	۲	

ابزار اندازه‌گیری و سنجش در هر تحقیق باید از روایی و پایایی لازم برخوردار باشد تا محقق بتواند داده‌های متناسب با تحقیق را گردآوری نماید. برای افزایش اعتبار و روایی پرسشنامه که برگرفته از تئوری و نظریه‌های حقوق طی مطالعه دسته‌بندی شده است، ابتدا با تعدادی از اساتید رشته حقوق مشورت گردید و سوال‌ها با نظر آنان طرح و تعدیل شد. سپس تعداد ۲۰ پرسشنامه از هرمتغیر بین افراد جامعه آماری در رده‌های سنی مختلف جهت بررسی روایی اولیه توزیع و کلیه ابهام‌ها مشخص شده و رفع گردید. با توجه به اینکه پرسشنامه فوق پرسشنامه محقق ساخته‌ای است برای بررسی روایی محتوایی آزمون از سه شیوه استفاده شد:

۱-۲-۱ شاخص نسبت روایی محتوایی^۱ (CVR): این شاخص توسط لاوشه

طراحی شده است. جهت محاسبه این شاخص از نظرات کارشناسان متخصص در زمینه حقوق در زمینه محتوای آزمون مورد نظر استفاده می‌شود و با توضیح اهداف آزمون برای آن‌ها و ارائه تعاریف عملیاتی مربوط به محتوای سؤالات به آن‌ها، از آن‌ها خواسته می‌شود تا هریک از سؤالات را براساس طیف سه بخشی لیکرت «گویه ضروری

1- content validity ratio

است»، «گویه مفید است ولی ضروری نیست» و «گویه ضرورتی ندارد» طبقه‌بندی کنند. سپس بر اساس فرمول زیر، نسبت روایی محتوایی محاسبه می‌شود (دانایی فرد، ۱۳۸۶: ۵).

$$\text{CVR} = \frac{\text{تعداد کل متخصصین} - \text{تعداد متخصصینی که گزینه ضروری را انتخاب کرده‌اند}}{\text{تعداد کل متخصصین}}$$

۲

بر اساس تعداد متخصصینی که سؤالات را مورد ارزیابی قرار داده‌اند، حداقل مقدار CVR قابل قبول بر اساس جدول زیر بایستی باشد. سؤالاتی مقدار CVR محاسبه شده برای آن‌ها کمتر از میزان مورد نظر با توجه به تعداد متخصصین ارزیابی‌کننده سؤال باشد، بایستی از آزمون کنار گذاشته شوند به علت اینکه بر اساس شاخص روایی محتوایی، روایی محتوایی قابل قبولی ندارند.

جدول ۲. حداقل مقدار RVC قابل قبول بر اساس تعداد متخصصین نمره‌گذار

مقدار متخصصین	مقدار CVR	تعداد متخصصین	مقدار CVR	تعداد متخصصین	مقدار CVR
۵	۰/۹۹	۱۱	۰/۵۹	۲۵	۰/۳۷
۶	۰/۹۹	۱۲	۰/۵۶	۳۰	۰/۳۳
۷	۰/۹۹	۱۳	۰/۵۴	۳۵	۰/۳۱
۸	۰/۷۵	۱۴	۰/۵۱	۴۰	۰/۲۹
۹	۰/۷۸	۱۵	۰/۴۹		
۱۰	۰/۶۲	۲۰	۰/۴۲		

با توجه به این که پرسشنامه تدوین شده را در بین ۱۰ نفر از متخصصین شامل اساتید دانشگاه رشته حقوق و افراد متخصص در حوزه حقوق و جرم‌شناسی توزیع شد، که نتایج محاسبه شده در مورد پرسشنامه طبق فرمول از ۱۰ نفر گزینه ضروری را انتخاب نموده‌اند. که برابر است با ۰/۸ بدست آمده است که از حداقل جدول بالاتر است و مورد تایید قرار گرفته است.

۲-۱-۲ شاخص روایی محتوایی^۱ (CVI): جهت بررسی شاخص روایی محتوا از روش والتز و باسل^۲ استفاده می شود. بدین صورت که متخصصان رشته حقوق^۳ ۱- «مربوط بودن»، ۲- «واضح بودن» و ۳- «ساده بودن» هرگویه را براساس یک طیف لیکرت قسمتی مشخص می کنند. متخصصان مربوط بودن هرگویه را از نظر خودشان از ۱- «مربوط نیست»، ۲- «نسبتاً مربوط است»، ۳- «مربوط است»، تا ۴ «کاملاً مربوط است» مشخص می کنند. ساده بودن گویه نیز به ترتیب از ۱- «ساده نیست»، ۲- «نسبتاً ساده است»، ۳- «ساده است»، تا ۴- «ساده مربوط است» و واضح بودن گویه نیز به ترتیب از ۱- «واضح نیست»، ۲- «نسبتاً واضح است»، ۳- «واضح است»، تا ۴- «واضح مربوط است» مشخص می گردد. (همان منبع ۱۳۸۶: ۹۸).

حداقل مقدار قابل قبول برای شاخص CVI برابر با ۰/۷۹ است و اگر شاخص CVI گویه ای کمتر از ۰/۷۹ باشد آن گویه بایستی حذف شود. که برای همه گویه ها بالاتر از ۰/۷۹ بدست آمده است.

تعداد متخصصینی که به گویه نمره ۳ و ۴ داده اند

CVI=

تعداد کل متخصصین

۲-۱-۳ پایایی (قابلیت اعتماد) پرسشنامه: پایایی يك سنجه، ثبات و سازگاری مفهوم مورد سنجش را نشان می دهد و می آید که تا چه حد به طور قاطع ابزار سنجش در هر زمان، مفهومی را که باید مورد سنجش قرار گیرد را می سنجد (دانایی فرد، ۱۳۸۶: ۳۱)

پایایی یکی از ویژگی های فنی ابزار اندازه گیری است. مفهوم یاد شده با این امر سروکار دارد که ابزار اندازه گیری در شرایط یکسان تا چه اندازه نتایج یکسانی به دست می دهد. در این تحقیق برای تعیین پایایی پرسشنامه از روش آلفای کرونباخ^۴ استفاده گردید. این روش برای محاسبه هماهنگی درونی ابزار اندازه گیری از جمله پرسشنامه ها

1- content validity index

2- waltz & Bausell

3- Reliability

4- Cronbach s Alpha

یا آزمون‌هایی که خصیصه‌های مختلف را اندازه‌گیری می‌کنند به‌کار می‌رود.

جدول ۳. مقدار آلفای کرانباخ برای متغیرهای پژوهش

مقدار آلفای کرانباخ	دسته بندی شاخص‌ها
۰.۸۴۵	عملیاتی کردن متغیر بازدارندگی مجازت
۰.۷۸۱	بازدارندگی مجازات رسمی
۰.۸۹۴	بازدارندگی مجازات غیر رسمی
۰.۹۸۱	عملیاتی کردن متغیر فنون خنثی‌سازی
۰.۸۱۶	انکار قربانی
۰.۹۱۷	انکار مسولیت
۰.۸۷۶	انکار آسیب
۰.۸۵۶	پیروی از اصل وفاداری
۰.۸۲۱	سرزنش مجازات‌کننده
۰.۹۸۴	عملیاتی کردن متغیر مجرمین یقه سفید
۰.۷۳۲	اشخاص حقیقی
۰.۷۸۴	اشخاص حقوقی
۰.۸۰۵	کنترل اجتماعی
۰.۸۹۱	دل بستگی
۰.۷۵۱	تعهد
۰.۹۰۱	مشارکت
۰.۸۳۹	باور
۰.۸۱۰	عدالت ترمیمی
۰.۷۴۱	جبران خسارت
۰.۷۹۵	مشارکت اجتماعی
۰.۸۶۱	جمع کل

قابلیت اعتماد یا پایایی یکی از ویژگی‌های فنی ابزار اندازه‌گیری است. مفهوم یاد شده بر این امر دلالت دارد که ابزار اندازه‌گیری در شرایط یکسان تا چه اندازه نتایج یکسانی به دست می‌دهد. دامنه ضریب قابلیت اعتماد از صفر (عدم ارتباط) تا +۱ (ارتباط کامل) است. ضریب قابلیت اعتماد نشانگر آن است

که تا چه اندازه ابزار اندازه‌گیری ویژگی‌های با ثبات آزمودنی و یا ویژگی‌های متغیر و موقتی وی را می‌سنجد.

همانطور که ملاحظه می‌گردد مقدار آلفای کرونباخ برای نمونه تمام متغیرها، از حد قابل قبول برای مقاصد کاربردی که ۰٫۷ است بیشتر می‌باشد، لذا می‌توان ادعا نمود که پرسشنامه جهت ارزیابی سیاست‌کیفری ایران در مورد جرایم زیست محیطی با تمرکز بر زیست بوم مورد نظر دارای پایایی قابل قبول است.

۲-۲ یافته‌های آماری

پس از جمع‌آوری کامل پرسشنامه‌ها و نمره‌گذاری آن‌ها، کلیه اطلاعات بدست آمده با استفاده از روش‌های آماری توصیفی و استنباطی مورد بررسی قرار گرفت. در ابتدا از طریق آزمون‌های نرمالیتی جهت انتخاب نوع آزمون آماری با استفاده از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف بررسی گردید. نتایج نشان داد برای کلیه شاخص‌ها چون سطح معنی‌داری بزرگتر از مقدار خطای ۰٫۰۵ است، فرض صفر در سطح معنی‌داری ۰٫۰۵ قابل قبول می‌باشد و در نتیجه می‌توان بیان نمود که این شاخص‌ها دارای توزیع نرمال هستند. بنابراین جامعه آماری نرمال بوده و در نتیجه برای تحلیل داده‌ها از یکسری آمار پارامتریک بهره‌گرفته شده ابتدا با استفاده از آزمون KMO^۱ برای بررسی کفایت نمونه‌گیری استفاده می‌شود. نتایج آزمون KMO را برای هر یک از متغیرهای تحقیق نشان می‌دهد که تمامی ضرایب آزمون KMO بالاتر از ۰٫۷۰ و در سطح مطلوبی است که حاکی از کفایت نمونه‌گیری برای تحلیل عاملی می‌باشد.

در این تحقیق به منظور ارزیابی سیاست‌کیفری ایران در مورد جرایم زیست محیطی با تمرکز بر زیست بوم استان مازندران از طریق ابعاد ۱- عملیاتی کردن متغیر با‌دازندگی مجازت ۲- عملیاتی کردن متغیر فنون خنثی‌سازی ۳- عملیاتی کردن متغیر مجرمین یقه سفید ۴- کنترل اجتماعی ۵- عدالت ترمیمی مورد سنجش و ارزیابی قرار گرفته است که از طریق مدل برازش معادلات ساختاری

1- Kaiser-Mayer-Olkin

ابتدا به منظور سهولت در نامگذاری متغیرها در مدل‌ها از اسامی اختصاری، به شرح جدول زیر استفاده شده است.

جدول ۴. نتایج آزمون OMK

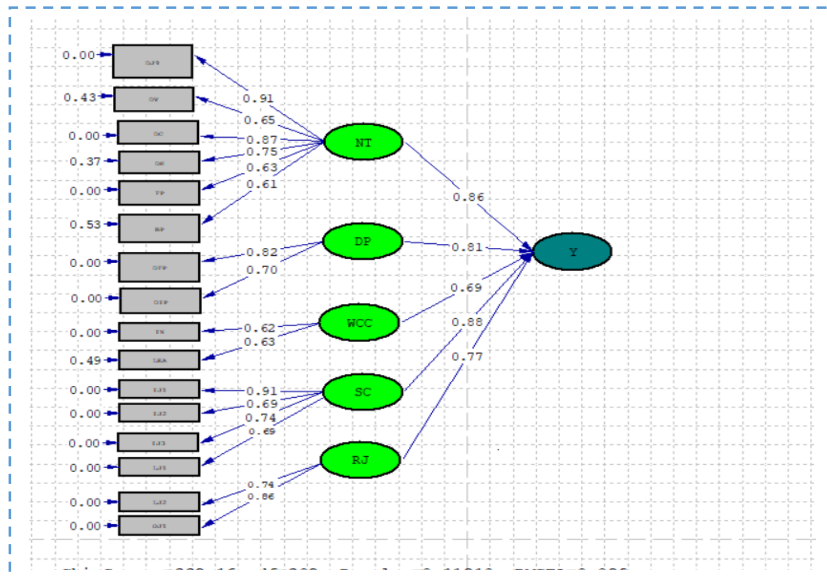
مقدار آزمون KMO	شاخص‌ها	بعد
۰.۷۵۲	بازدارندگی مجازات رسمی	عملیاتی کردن متغیر بازدارندگی مجازات
	بازدارندگی مجازات غیر رسمی	
۰.۸۵۱	انکار قربانی	عملیاتی کردن متغیر فنون خنثی سازی
	انکار مسولیت	
	انکار آسیب	
	پیروی از اصل وفاداری	
	سرزنش مجازات کننده	
۰.۸۰۲	اشخاص حقیقی	عملیاتی کردن متغیر مجرمین یقه سفید
	اشخاص حقوقی	
۰.۹۵۱	دلبستگی	کنترل اجتماعی
	تعهد	
	مشارکت	
	باور	
۰.۸۲۵	جبران خسارت	عدالت ترمیمی
	مشارکت اجتماعی	

جدول ۵. علائم اختصاری هر متغیر

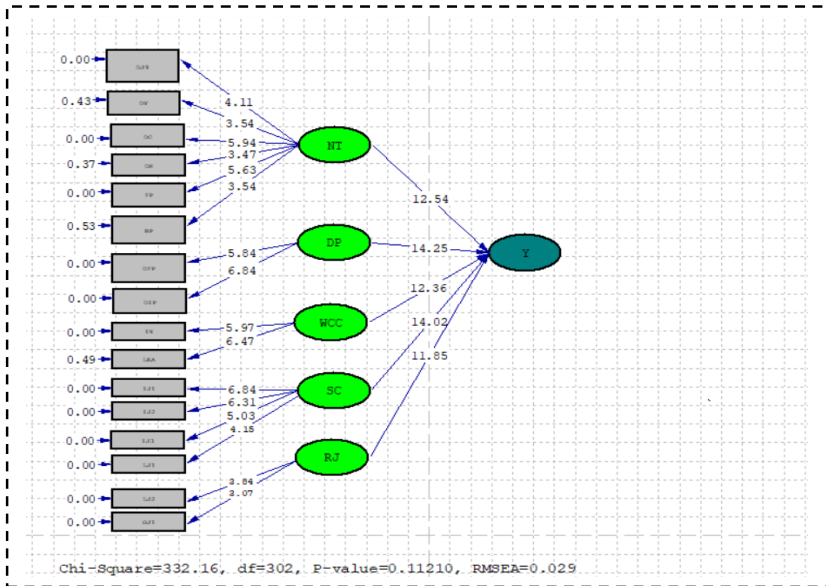
نام اختصاری	متغیرها و شاخص‌ها
DP	عملیاتی کردن متغیر بازدارندگی مجازات
Dfp	بازدارندگی مجازات رسمی
Dip	بازدارندگی مجازات غیر رسمی
NT	عملیاتی کردن متغیر فنون خنثی سازی
Dv	انکار قربانی
Dc	انکار مسولیت
Dh	انکار آسیب
Fp	پیروی از اصل وفاداری
Bp	سرزنش مجازات کننده

نام اختصاری	متغیرها و شاخص‌ها
WCC	عملیاتی کردن متغیر مجرمین یقه سفید
In	اشخاص حقیقی
lea	اشخاص حقوقی
SC	کنترل اجتماعی
At	دلبستگی
Ob	تعهد
Pa	مشارکت
Be	باور
RJ	عدالت ترمیمی
co	جبران خسارت
sp	مشارکت اجتماعی

سپس مدل مفهومی را در مرحله تاییدی در تخمین استاندارد و تی معنی داری اندازه‌گیری شد. حال سوال اصلی این است: آیا مدل ارزیابی سیاست‌کیفری ایران در مورد جرایم زیست محیطی با تمرکز بر زیست بوم استان مازندران می‌باشد؟



نمودار ۱. مدل اندازه‌گیری متغیرهای مکنون مرتبه دوم در حالت تخمین استاندارد



نمودار ۲. مدل اندازه‌گیری متغیرهای مکنون مرتبه دوم در حالت ضرایب معناداری

با توجه به خروجی معادلات ساختاری نشان می‌دهد که شاخص‌ها و ابعاد شناسایی شده مورد تاییدی باشند با توجه به خروجی لیزرل مقدار χ^2 محاسبه شده برابر با ۳۳۲٫۱۶ می‌باشد وجود χ^2 پایین نشان دهنده برازش مناسب مدل است. زیرا هر چه مقدار χ^2 کمتر باشد، مدل ارائه شده مدل مناسب‌تری می‌باشد با توجه به نتایج ذیل که از خروجی نرم افزار لیزرل بدست آمده‌اند.

RMSEA = ۰٫۰۲۹ و $P - Value = ۰٫۱۱۲۱۰$ و $\chi^2 / df = ۱٫۰۹۹$ و $\chi^2 = ۳۳۲٫۱۶$ و $df = ۳۰۲$

Goodness of Fit Index (GFI) = ۰٫۹۴

Adjusted Goodness of Fit Index (AGFI) = ۰٫۹۲

نتایج حاصل از تحلیل عاملی تاییدی مقادیر بار عاملی، مقادیر تی و سطح معناداری بدست آمده برای متغیرها و سوالات با ضریب عاملی و مقادیر تی معناداری می‌باشد بنابراین می‌توان گفت این مدل قابلیت آن را دارد که به عنوان مدل اندازه‌گیری این متغیر در نظر گرفته شود. نتایج حاصل از تحلیل عاملی تاییدی مقادیر بار عاملی،

مقادیر تی و سطح معناداری بدست آمده برای متغیرها و سوالات با ضریب عاملی و، مقداری معنادار می باشد بنابراین می توان گفت این مدل قابلیت آن را دارد که به عنوان مدل اندازه گیری برای مدل مفهومی تحقیق در نظر گرفته شود و در نتیجه مدل ارزیابی سیاست کیفی ایران در مورد جرایم زیست محیطی با تمرکز بر زیست بوم استان مازندران مدل مطلوبی می باشد.

بررسی شاخص عملیاتی کردن متغیر بازدارندگی مجازات: بر اساس نتایج جدول فوق با انجام آزمون در سطح اطمینان ۹۵ درصد، مقدار معناداری در مسیر معادلات ساختاری $T = 12,54$ به دست آمد. چون مقدار آماره های T بزرگتر از ۱,۹۶ می باشد فرض صفر رد و فرض مقابل پذیرفته می شود یعنی «بازدارندگی مجازت» بر ارزیابی سیاست کیفی ایران در مورد جرایم زیست محیطی «در سطح اطمینان ۹۵٪ موثر است و حاکی از وجود تاثیر مستقیم و مثبت برای میزان تاثیر، برابر با ضریب مسیره (۰,۸۶) می باشد.

بررسی شاخص عملیاتی کردن متغیر فنون خنثی سازی: بر اساس نتایج جدول فوق با انجام آزمون در سطح اطمینان ۹۵ درصد، مقدار عدد معنی داری $T = 14,25$ به دست آمد. چون مقدار آماره های T بزرگتر از ۱,۹۶ می باشد به عبارتی «فنون خنثی سازی» بر ارزیابی سیاست کیفی ایران در مورد جرایم زیست محیطی «در سطح اطمینان ۹۵٪ تاثیر است حاکی از وجود تاثیر مستقیم و مثبت و میزان تاثیر، برابر با ضریب مسیره (۰,۸۱) می باشد.

بررسی شاخص عملیاتی کردن متغیر مجرمین یقه سفید: بر اساس نتایج جدول فوق با انجام آزمون در سطح اطمینان ۹۵ درصد، مقدار عدد معنی داری $T = 12,36$ به دست آمد. چون مقدار آماره های T بزرگتر از ۱,۹۶ می باشد فرض صفر رد و فرض مقابل پذیرفته می شود یعنی «مجرمین یقه سفید» بر ارزیابی سیاست کیفی ایران در مورد جرایم زیست محیطی «در سطح اطمینان ۹۵٪ تاثیر است حاکی از وجود تاثیر مستقیم و مثبت و میزان تاثیر، برابر با ضریب مسیره (۰,۶۹) می باشد.

بررسی شاخص عملیاتی کردن متغیر کنترل اجتماعی: بر اساس نتایج جدول فوق با انجام آزمون در سطح اطمینان ۹۵ درصد، مقدار عدد معنی داری $T = 14,02$ به دست آمد. چون مقدار آماره های T بزرگتر از ۱,۹۶ می باشد فرض صفر رد و فرض مقابل

پذیرفته می‌شود یعنی «کنترل اجتماعی» بر «ارزیابی سیاست کیفی ایران در مورد جرایم زیست محیطی» در سطح اطمینان ۹۵٪ تاثیر است و حاکی از وجود تاثیر مستقیم و مثبت میزان تاثیر، برابر با ضریب مسیرها (۰,۸۶) می باشد.

بررسی شاخص عملیاتی کردن متغیر عدالت ترمیمی: بر اساس نتایج آزمون با انجام آزمون در سطح اطمینان ۹۵ درصد، مقدار عدد معنی داری $T=11,85$ به دست آمد. چون مقدار آماره های T بزرگتر از ۱,۹۶ می باشد فرض صفر رد و فرض مقابل پذیرفته می شود یعنی «عدالت ترمیمی» بر «ارزیابی سیاست کیفی ایران در مورد جرایم زیست» در سطح اطمینان ۹۵٪ تاثیر است و حاکی از وجود تاثیر مستقیم و مثبت میزان تاثیر، برابر با ضریب مسیرها (۰,۷۷) می باشد.

برآمد

کنترل و حفاظت از محیط زیست در وهله اول مستلزم شناخت، گزینش و اولویت بندی نسبت به مجرمین زیست محیطی است. از این رو، اتخاذ رویکردی نوین، باز مفهوم سازی جرایم زیست محیطی و نگاهی نو در علت شناسی جرایم زیست محیطی در قالب مطالعات میدانی و تجزیه و تحلیل داده های آماری، جهت حمایت همه جانبه از محیط زیست امری ضروری و حقیقتی غیر قابل انکار است. در همین راستا، و با عنایت به اهمیت و تاثیر جرم شناسی کاربردی در علم حقوق جزا، تحقیق حاضر با روش کمی و کاربردی که از لحاظ هدف توصیفی-پیمایشی می باشد، سعی در تبیین مدل شاخص های سیاست گذاری کیفی در غالب تلفیقی از رویکردهای کیفی و همچنین رهیافت های حمایتی و پیشگیرانه در حوزه جرایم زیست محیطی در استان مازندران را دارد. برای جمع آوری داده های نمونه ای شامل ۳۸۵ نفر از افراد بالای هجده سال در استان مازندران با پاسخ به پرسشنامه اطلاعات باارزشی در اختیار نگارنده قرار دادند، پس از جمع آوری داده ها با استفاده از نرم افزار LISREL, SPSS به تجزیه و تحلیل داده های آماری پرداخته که نتایج تحلیل عاملی تاییدی و مقادیر بار عاملی، تی و سطح معناداری بدست آمده حاکی از برازش مدل برای ارزیابی سیاست کیفی ایران در مورد جرایم زیست محیطی با تمرکز بر زیست بوم استان مازندران تبیین و قابلیت آن را دارد که به عنوان مدل اندازه گیری در نظر گرفته شود. سپس از طریق آزمون تی به تست فرضیه های تحقیق نشان داد که فنون خنثی سازی دیوید متزا و سایکس بر ارتکاب جرایم زیست محیطی در استان مازندران با میانگین (۲/۵۲) بازدارندگی از نوع رسمی و غیررسمی با میانگین (۳/۹۵)، کنترل اجتماعی با میانگین (۴/۲۷) عدالت ترمیمی با میانگین (۴/۴۲) مجرمین یقه سفید (حقوقی، حقیقی) با میانگین (۴/۰۸) بر ارتکاب جرایم زیست محیطی در استان مازندران تاثیر معنی داری دارند.

براین اساس و با توجه به تدقیق در نظریات جرم شناسی و تحلیل داده های آماری پیشنهادات زیر ارائه می گردد:

(۱) باید رویکردی اتخاذ نمود که ضرارتکاب جرایم زیست محیطی بر منافع آن برتری محسوس داشته باشد، چراکه امروزه از مشکلات عمده قوانین در حوزه محیط زیست عدم

تناسب مجازات‌ها با جرایم ارتكابی است.

۲) حمایت کیفی عادلانه از محیط زیست مستلزم این است که رفتار دولت‌ها و شرکت‌های وابسته به آن، در عرصه اقتصادی مادامی که آسیب‌هایی به محیط زیست وارد می‌کنند از مصونیت کیفی خارج شده و مسئولیتی متناسب با میزان خسارت و ضرر زیست محیطی برای دولت‌ها و شرکتهای آلاینده به صورت شفاف شناسایی شود.

۳) اقداماتی جهت بالابردن همبستگی افراد جامعه نسبت به حفاظت از محیط زیست امری ضروری است. چراکه پیدایش آسیب‌های زیست محیطی را می‌توان معلول ضعف در همبستگی نهادهای اجتماعی مسئول و عموم افراد جامعه و همچنین تضعیف اعتقادات و باورهای موجود در مورد اهمیت محیط زیست دانست.

۴) با توجه به تاثیر متغیرهای فشار و خرده فرهنگ‌ها بر فنون خنثی‌سازی می‌بایست آگاهی‌بخشی به وسیله آموزش، تعلیم و فراگیری ارزش‌های جامعه در راستای هنجارمندی و احترام به قانون توسط افراد را مهم و در اولویت قرارداد.

۵) هرچند ابزارهای کیفی، به دلیل قابلیت کنترل جرایم شدید محیط‌زیستی، الگوی غالب نظام‌های حقوقی، در برخورد با جرایم محیط زیست است، اما عدالت ترمیمی با تکیه بر رهیافت‌های ابداعی و نوآورانه خود می‌تواند به تحقق رویکردهای حمایتی در حوزه جرایم زیست محیطی کمک نماید. عدالت ترمیمی دو راهکار برای جبران خسارت جرایم زیست محیطی ارائه می‌دهد نخست راهکار اعاده وضع به حالت سابق توسط بزهارکار، دولت یا هر دو، دوم، پرداخت ضرر و زیان که تکلیف بزهارکار است.

منابع

- بنسون، مایکل، سیمپسون، سالی، (۱۳۹۱)، *جرایم یقه سفید رویکرد فرصت مدار*، ترجمه اسماعیل رحیمی، تهران نشر میزان
- پرادل، ژان، (۱۳۸۴)، *تاریخ اندیشه های کیفری*، ترجمه علی حسین نجفی ابرند آبادی، تهران، سمت.
- پیکا، ژرژ، (۱۳۷۰)، *جرم شناسی*، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، دانشگاه شهید بهشتی.
- حافظ نیا، محمد، ۱۳۷۷، "مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی"، تهران، انتشارات سمت.
- دانایی فرد، حسن (۱۳۸۶)، *هم سازی شیوه های کمی کیفی در پژوهش های سازمانی: تأملی بر استراتژی پژوهش ترکیبی*، روش شناسی علوم انسانی، شماره ۱۳، شماره ۵۳، ۶۳-۳۵.
- سلیمی، صادق، (۱۳۸۷)، *مجرمین یقه سفید و سیاست کیفری ایرانم*، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۸، شماره ۴.
- سلیمی، علی، داوری، محمد (۱۳۹۳)، *جامعه شناسی کج روی*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ پنجم.
- شامبیاتی، هوشنگ، (۱۳۹۴)، *حقوق جزای اختصاصی جلد اول*، تهران، مجد، چاپ چهارم.
- صالحی، جواد، (۱۳۸۹)، *سیاست کیفری ایران در چالش با جرایم منشأ پول شویی*، حقوق، کانون، شماره ۱۱۴.
- صوحی، رحمان، (۱۳۹۴)، *عدالت ترمیمی در نظام کیفری موضوعه ایران*، تهران، انتشارات مجد، چاپ اول.
- عبداللهی، محسن، (۱۳۸۶)، *حمایت کیفری از محیط زیست: تأملی بر بایسته های حمایت کیفری محیط زیست*. مجله علوم محیطی طبیعی، شماره یکم، ص ۱۱۶-۹۵.
- فرهمند، مجتبی، (۱۳۹۶)، *جلوه های عدالت ترمیمی در حقوق کیفری ایران*، تهران، انتشارات میزان، چاپ اول.

- فریادی، مسعود، (۱۳۹۶)، *رویکرد و عدالت ترمیمی به مجازات‌های سبز در جرایم زیست‌محیطی*، دانشنامه عدالت ترمیمی، تهران، انتشارات میزان، چاپ اول، ۶۲۶.
- قاسمی، ناصر، (۱۳۸۴)، *حقوق کیفری محیط زیست*، انتشارات جمال الحق، تهران، چاپ دوم.
- قیاسی، جلال‌الدین، (۱۳۸۸)، *روش تفسیر قوانین کیفری*، قم، مرکز انتشارات دفتر حوزه علمیه قم.
- کوشکی، غلام‌حسین، (۱۳۸۶)، *چالش‌های نظام کیفری ایران در حوزه جرایم زیست‌محیطی*، فصلنامه اطلاع‌رسانی حقوق، شماره ۹.
- کیس، الکساندر، دنیا شلتون، تارا سوفسکی، ریچارد. دکلم، کیبرال. کلپرشین، کوبندلینگ، لوتر، (۱۳۷۹)، *حقوق محیط زیست*، ترجمه محمد حسن حبیبی، تهران، دانشگاه تهران، جلد سوم.
- لازرز، کریستین، (۱۳۸۲)، *درآمدی بر سیاست جنایی*، ترجمه علی حسینی نجفی ابرندآبادی، میزان.
- مشهدی، علی، (۱۳۹۴)، *ترمیم‌ولوژی حقوق محیط زیست*، انتشارات خرسندی، تهران، چاپ سوم.
- مظلومان، رضا، (۱۳۵۳)، *جرم‌شناسی (کلیات)*، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم.
- میر محمدتباردیوکلایی، سید احمد، (۱۳۹۷) *تبیین جامعه‌شناختی جرائم زیست‌محیطی با تاکید بر رویکردهای بازار محور (مطالعه موردی: شکار پرنده و صید ماهی در شهرستان فریدونکنار*، رساله دکتری گروه جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، دانشگاه فردوسی مشهد.
- نجفی ابرندآبادی، علی، (۱۳۸۷)، *تقریرات درس جرم‌شناسی دوره دکتری*، به کوشش مجتبی جعفری.
- نجفی توانا، علی، (۱۳۸۶)، *تعارض و انسداد در سیاست جنایی ایران*، فصلنامه علمی تحقیقات حقوق تطبیقی ایران و بین‌الملل، دوره، شماره ۱.
- نجفی توانا، علی، (۱۳۹۹)، *جرم‌شناسی*، مشهد، انتشارات آوای حکمت، چاپ بیست دوم (چاپ اول ناشر).

نواح، عبدالرضا، فروتن کیا، شهروز، (۱۳۹۰)، *بررسی رابطه بین کنش عقلانی و رفتارهای زیست محیطی مورد مطالعه جامعه شهری اندیمشک*، فصلنامه علوم مهندسی محیط زیست، شماره ۵۱

وایت، رابرت داگلاس، هینز، فیونا، (۱۳۹۵)، *جرم و جرم شناسی؛ متن درسی نظریه های جرم و کج روی*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

هژیرالسادات، هانیه برایت وست، جان (۱۳۹۷)، *رویکرد عدالت ترمیمی به جرایم علیه محیط زیست*، چکیده مقالات عدالت ترمیمی، پل ارتباطی میان تمدن های جاده ابریشم، تهران، انتشارات میزان، چاپ اول.

مقالات انگلیسی

- Ayling ,J ,(2013) . *What sustains wildlife crime ?Rhino Horn Trading and the Resilience of Criminal Networks* ,International Wildlife law and policy.57-80 :16 ,
- Bo ,L Zhany ,F .Zhany ,LW .Hany ,IF .Zhi-Feng ,J . Gupta ,D(2012) *Comprehensive suitability evalaution of the crops asing GIS and a modifed Land ecological suitability evaluation model*. Pedosphere.122-130 :(1) 22 .
- Carrabine ,E ,Iganski ,P ,Lee,M ,Plumber,K .(2004) . *Criminology :A Sociological Introduction* ,London :Routledge
- Gerber ,J .Jensen ,EL ,(2007) . *Encyclopedia of white collar crime*, Green wood Press ,London.
- chafin ,A ,Haviland ,A.M ,and Raphael ,S ,2012 . *what do panel studies tell us about a deterrent effect of capital punishment ?A Critique of Literature* ,Journal of Q UANTITATIVE Crimnology :doi/10:1007:s10940-012-9168-8.
- Gigovic ,L .Pamucr ,D .Lakic ,D .Markovic ,S .(2016) *GIS-fuzzy DEMATEI model for the evaluation of the sites for ecotourism developmont :A case study of Dunavski kljuc region* ,ser-

- bia ,land use policy.378-365 :58:
- Hirchi, T .(1969).*Causes of Delinquency* , University of California Press , Berkely
- Potter ,G ,(2010) .*What is the green criminology* ,Sociological review ,november.1-6 :
- Stoddart ,H ,(2011) ,*A Pocket guide to sustainable development governance* .Stakeholder forum.
- 9-Sykes ,G .Matza ,D” .(1957).*Techiques of Neutralization :a Theory of Delinquency* “American Sociological Reviw 22 . P66-670 . and Sykes, G (1964) *Delinquency and Drift* . New York .Wiley
- United National Office on Drugs and Crime) UNODC ,*2007* , (*Crime and Development in central America* ,United National Publication.